

مقاله پژوهشی

مدینه و مکه نزد شرق شناسان

(سده شانزدهم - سده بیستم میلادی)*

ژان-شارل دوسین**

مدرسه عملی مطالعات عالی (EPHE)، پاریس، فرانسه.

ترجمه فرانسه به فارسی

سپهر یحیوی تاج آبادی

دکتری زبان و ادبیات فرانسه، دانشگاه تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۰۱

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۵/۲۰

تاریخ قرارگیری روی سایت: ۹۹/۰۷/۰۱

چکیده | شهرهای مکه و مدینه از قرن شانزدهم میلادی توجه شرق شناسان را به خود جلب کردند، اساساً به این دلیل که جایگاه پیدایش اسلام بودند و کمتر همچون موجودات شهری شرقی، همانند استانبول و قاهره شناخته می شدند. باین حال، از آنجا که ورود به این دو شهر برای شرق شناسان قدغن بود، شناخت پژوهشگران از آنها کمتر از طریق بازدید و بیشتر بر پایه مقابله منابع عربی و فارسی حاصل می شد و در نتیجه به جهت گیری این منابع ابتدایی وابسته بود. هنگامی که برخی سیاحان موفق به بازدید از این شهرها شدند، علاقه شان متمرکز به عبادتگاهها باقی ماند. لذا تاریخ مکان نگاری (توپوگرافی) عبادتگاهها با جزئیات تشریح شد، ولی سازمان شهری و تاریخ اجتماعی این دو شهر کمتر مورد مذاقه قرار گرفت.

واژگان کلیدی | جغرافیا، شرق شناسی، مکان نگاری، سیاحت.

نخستین تماسها (قرون شانزدهم تا هجدهم)

نخستین سیاح غربی که از مدینه عبور کرد، «لودویکو دی وارتما» (۱۴۷۰-۱۵۱۷ م.) بود. او که زاده ایتالیا بود، در ۱۵۰۳ در دمشق به سر می برد. از آنجا با کاروانی زیارتی عازم شد، نهایتاً به عدن رسید و سپس سوار بر کشتی شد تا به هندوستان برود. در حین همین سفر، در مه ۱۵۰۳ وارد مدینه شد؛ سفری که شرح آن را پس از بازگشت به رم در سال ۱۵۱۰ منتشر کرد. بدین ترتیب او چندین صفحه را (Teyssier, 2004, 57-72) به توصیف مسجد محل دفن پیامبر اسلام [ص] و صحابه ایشان اختصاص داده است. مسجد، بنایی چهارگوش توصیف شده که وزنش را بیش از ۴۰۰ ستون تحمل می کند. مرقد پیامبر و صحابه شان در بنای مربعی شکلی در جنب مسجد واقع شده است. گراوری که به همراه توصیف آمده برجی کاملاً تخیلی را نشان می دهد (تصویر ۱). در مورد مکه، او شمار خانوارهای شهر را به ۶۰۰ تخمین می زند، آمی گوید که [خانه هایش خوب ساخته شده اند و شهر فاقد بارو است. او کوه های پیرامون شهر را توصیف می کند، ولی از فقر منابع طبیعی آن نیز سخن می گوید. کعبه و چهار رواق پیرامونش را وصف کرده، آن را

مقدمه | شهرهای مکه و مدینه برای شرق شناسان مکان هایی کمابیش اسطوره ای بودند که به پیدایش اسلام مربوط می شدند، به ویژه اینکه اقامت غیرمسلمانان در آنها ممنوع بود. باین وجود از قرن شانزدهم به بعد، سیاحان اروپایی موفق شدند اطلاعات مکان نگارانه (توپوگرافیک) در موردشان گردآوری کنند، خواه با رفتن به آنجا و خواه با جمع آوری توصیفات اماکن مقدس به زبان های عربی و فارسی. روشن است که این توصیفات می توانست روایی باشد، اما بازنمایی های تصویری ای نیز بود که به برخی عالمان اجازه می داد مناظری از این شهرها «ترسیم کنند». حصول این دانستنی ها با گردآوری و درک متون جغرافیایی به زبان های عربی و فارسی همراه بود. سرانجام عکاسی به اصلاح و تکمیل این تصاویر یاری رساند. در مقاله حاضر قصد داریم بر روی مراحل این رویکرد جغرافیایی و تاریخی تأکید کنیم.

** ۰۰۳۲۴۷۳۷۳۴۸۲۹@ulb.ac.be.jean-charles.ducene

منتشر شدند نیز، به مکان‌نگاری محل دفن پیغمبر می‌پردازد. بدین ترتیب، «جان گنی‌پر»^۲ (متوفی ۱۷۴۰م)، در زندگی‌نامه‌ای که از پیامبر اسلام نوشت (Gagnier, 1732, 304-309)، موقعیت مقبره پیامبر را به نسبت موقعیت قبور دو خلیفه اول مشخص می‌کند. او برای این کار از منابع عربی از جمله آثار وقایع‌نگاری ابوالفدا (ibid) که منتشر و به لاتین ترجمه شده بود استفاده کرد. در همان هنگام، «ژان دولاروک»^۳ (De la Roque, 1718, 301-302) توصیف ابوالفدا از عربستان را به زبان فرانسوی منتشر کرد که در آن شرحی به مکان‌نگاری مدینه و مکه اختصاص یافته است.

در همین عصر، نخستین تصویر از مکه در اروپا به چاپ رسید. در ۱۷۳۸، مؤلف انگلیسی «جوزف پیتس»^۴ (Garcia, 2011, 85-101) در لندن «A faithful account of the religion and manners of the Mahometans» را به چاپ رساند. این داستان که در قالب آن زیارت ۱۶۸۰ خود را بازگو می‌کند، در واقع ماجرای ملاحی است که در مدیترانه به اسارت گرفته می‌شود، به اسلام می‌گردد و زیارتی به‌جا می‌آورد که شرح دقیق آن در این اثر ارائه می‌شود. علاوه بر این، توصیفی از مرقد و بناهای اصلی به دست می‌دهد. روشن است که موقعیت‌ها نسبی‌اند، ولی کلیه بناهای فرعی مقبره را می‌توان در آن بازشناخت.

حدود بیست‌سال بعد در ۱۷۲۱، «یوهان برنهارد فیشر فون ارلاش»^۵ (۱۶۵۶-۱۷۲۳م) (Grabar, 2001, 268-274) در وین کتابی با عنوان «طرحی برای تاریخ معماری از خلال تصاویر چند بنای مهم دنیای باستان و ملل بیگانه» منتشر کرد. نام مدینه و مکه هم در این اثر ذکر شده است. مکه به شکل دید پرنده تصویر شده، یعنی با چشم‌اندازی که طراحان اروپایی از قرن شانزدهم توسعه دادند. شرح تصاویر توسط مؤلف گاهی حاوی اشتباه است، ولی استفاده از یک الگو را نشان می‌دهد. تصویر در این اثر گویای آن است که بر پایه الگویی واقع‌گرایانه ولی احتمالاً کلی‌تر، ابداعات خیالی صورت گرفته است. در درجه اول مساجد جلب توجه می‌کنند و اطراف ساختمان که خود شهر مدینه باید در آنجا باشد خیالی است. نگارنده توضیح می‌دهد که از طراحی‌های متعلق به «کنت فون هولنبرگ د برانشوایگ»^۶، سفیر بریتانیا در وین، بهره برده است. او آنها را از یک مهندس عرب که از سوی عثمانیان به مکه و مدینه گسیل شده بود خریده بود. منشأ این تصاویر در واقع نگاره‌هایی است که از زائران مسلمان به دستشان رسیده بود. شاهد این مدعا نقاشی‌ای از عبادتگاه است که قبله‌نمایی را تزئین کرده است. ما چهار نسخه از این اثر شگفت‌انگیز می‌شناسیم که یکی در دوبلین نگهداری می‌شود، دیگری در وین است، سومی در وین محفوظ است و آخری در قاهره نگهداری می‌شود (Porter, 2012, 66; O'Kane, 2012, 266-267). دوتای نخست به ۱۷۳۸ برمی‌گردد و قدمت آخری ۱۷۳۸ است. دو نقاشی، دیدی سه‌محوری (آگزونومتريک) از عبادتگاه مکه ارائه می‌دهند. نام خالقش «البارون المخترع» (بارون مخترع)



تصویر ۱. تصویری خیالی از مقبره حضرت محمد [ص] مطابق ترسیم لودوویکو دی وارتما، مأخذ: Tessier, 2004.

به برجی مربع‌شکل تشبیه می‌کند. همچنین چاه زمزم را وصف می‌کند. روشن است که این توصیفی ناقص، تقریبی و سطحی است، ولی مسلماً از کنجکاوی در مورد این اماکن حکایت دارد. وقتی متون جغرافیایی جهان عرب در طی قرن هفدهم در اروپا شناخته شدند، بدیهی است که مدینه توجه زیادی به خود جلب کرد. بدین ترتیب، «بارتلمی دربولو»^۷ در اثرش موسوم به «کتابخانه شرقی» به سال ۱۶۹۷، شرحی طولانی به مدینه اختصاص داد. او در آنجا این شهر را نخستین پایتخت اسلام معرفی کرد، اسم پیشین آن، یثرب، را ذکر نمود و خاطر نشان کرد که این شهر محل دفن پیامبر و نیز خلفای نخستین است. همچنین [می‌گوید که] این مقبره به نام روضه («باغ») خوانده می‌شود. او به بازسازی مسجد در زمان خلافت ولید بن عبدالملک اشاره می‌کند و سپس تاریخچه‌ای از شهر تا زمان سلطان سلیم عثمانی، که به خادم‌الحریمین («خدمتگزار دو مرقد») ملقب شد، ارائه می‌دهد (d'Herbelot, 1697, 570-571).

در مورد مکه، او شرح مشبعی به شهر اختصاص می‌دهد. موقعیت جغرافیایی آن را ارائه می‌کند و می‌افزاید: «آنچه این شهر را پراوازه‌ترین شهر دنیا ساخته، ولادت محمد [ص] است و عبادتگاه کعبه (... که اغلب از سوی مسلمین، بیت‌الله به معنی «خانه خدا» خوانده می‌شود و همچنین چاه معجزه‌آسای زمزم است». مؤلف سپس در ابتدای توضیحات تاریخی‌اش می‌نویسد: «با آنکه این شهر در نزد مسلمین به حد اعلا ستایش شده، این امر مانع از آن نشده که در خلال طغیان‌های مختلفی که در میانشان صورت گرفته، بارها دستخوش محاصره، غارت و حریق شده باشد». او در ادامه به ارائه تاریخ سیاسی شهر می‌پردازد. با این حساب تقریباً به موقعیت کلی محل پرداخته نشده است. فقط می‌گوید: «چون سرزمین مکه تنها از سنگ و شن پوشیده شده، هیچ میوه‌ای در آن حاصل نمی‌آید» (ibid, 568-570). نخستین تذکره‌های پیغمبر اسلام که در سده هجدهم در اروپا

کوالیر در صحن بازنمایی شده‌اند: گنج (قبه‌الخرزینه)، گنبد زیت (قبه‌الزیت) که مطابق سنت، در آن یکی از قرآن‌های عثمان و نیز درخت نخل (نخله)، یا درخت علی [ع] یا باغ فاطمه [س] در آن نگهداری می‌شد.

در خود مسجد هم مقبره فاطمه [س] (حجره فاطمه زهرا) مشخص شده است: پس از آتش‌سوزی سال ۱۴۸۱ م، در سال ۸۸۸ ه.ق. ۱۴۸۳-۱۴۸۴ م. تعمیرات ساختمانی آغاز شد که در حین آن مقبره ناشناسی کشف و به فاطمه نسبت داده شد. در سمت راست، باغ (روضه) را داریم: این در واقع فاصله بین منبر و مقبره‌ای که مطابق سنت، پیغمبر دوست داشت در آنجا باشد، نشان می‌دهد. در زیر دالان‌های طاقدار رواق که به نمازخانه محله‌المکبرین راه دارد (و معنی و کاربرد این مکان بر ما مجهول است) و در داخل این تالار، منبر را از کنار و دو محراب می‌بینیم. به‌هنگام مرمت سال ۸۸۸ ه.ق.، محراب پیغمبر (محراب‌النبی) درون سازه دیگری گنجانده شد و محراب تازه (محراب‌الجدید) یا محراب سلیمان (محراب‌السلیمانیه) در سال ۹۵۷ ه.ق. ۱۵۵۰-۱۵۵۱ م. ساخته شد. سرانجام ما به عنوان عنصر غالب، مقبره پیامبر (قبه‌الرسول‌الله) را داریم. در سال ۸۸۹ ه.ق. ۱۴۸۴ م، «قایتبای»^۲ قبه‌ای ساخت که در سال ۹۴۶ ه.ق. ۱۵۳۶ م. با صفحه‌های مسی پوشانده شد. نقاشی به قصد ایجاد حس کروی بودن گنبد، نورگیری از ریختافتاده را در سقف وارد کرده است.



تصویر ۲. نمایی از مدینه در فتوح‌الحرمین. مأخذ: کتابخانه ملی فرانسه، دست‌نوشته‌های فارسی ۲۳۷، نسخه ۴۲۲.

است که احتمالاً اسمی ارمنی باشد. او از علاقه‌اش به جغرافیا و ستاره‌شناسی صحبت می‌کند و می‌گوید در ۱۷۳۳ به وزیر اعظم، علی پاشا، رساله‌ای در جغرافیا اهدا کرده است. سپس سفارش ساخت قبله‌نمایی را گرفت و آن را در ۱۷۳۸ به پایان رساند. در اینجا می‌توانیم از تأثیر نقشه‌نگاری اروپایی یا لاقل مناظر شهری اطمینان داشته باشیم، اما این ارمنی یقیناً یا به مدینه و به طریق اولاً مکه نگذاشته است. پس منبع الهامش چه می‌توانسته باشد؟^۳ یک خطا نشان می‌دهد که او از تصویر دیگری از عبادتگاه در کتابی دیگر استفاده کرده است: «فتوح‌الحرمین» (نوشته شده در ۹۱۱ ه.ق. ۱۵۰۵-۱۵۰۶ م.) اثر محیی‌الدین لاری (Porter, 2012, 46-47). این کتاب که یک شمایل‌نگاری واقعی از اماکن مقدس همراه با رشته‌ای از ۱۷ یا ۱۸ تصویر ارائه می‌دهد، برای سلطان مظفر ابن محمودشاه و به زبان فارسی تحریر شده است. اثر، توصیفی شاعرانه از شهرهای مقدس مکه و مدینه و نیز آداب زیارت است. شمار بالا و قدمت دست‌نوشته‌ها [حاکمی از محبوبیت اثر است] که چندتایی آنها در مکه رونویسی شده است (تصویر ۲، کتابخانه ملی فرانسه، دست‌نوشته‌های فارسی ۲۳۷، نسخه ۴۲۲).

نقاش از به‌کارگیری رنگ‌های متعدد مضایقه نکرده و این اثری موجدار (رنگ به رنگ شونده) به تصویر می‌بخشد. کف صحن را خال‌خالی پوشانده که بر رویش به وضوح عناصر شمایل‌نگاری تمایز داده می‌شود. ما اینجا کاملاً با فنون نقاشی دست‌نوشته‌ها مواجه هستیم. شباهت نسخه‌های پراکنده در کتابخانه‌ها استفاده از شابلون را به ذهن متبادر می‌کند.

منظره رو به‌سوی جنوب دارد. ما چندین نوع چشم‌انداز داریم و همین‌طور اشیائی که در بلندی دیده می‌شوند. چشم‌انداز کلی، چشم‌اندازی پلکانی است، یعنی اشیای پایین تصویر به ناظر نزدیک‌ترند و هرچه در تصویر بالاتر می‌رویم، بیشتر از آن دور می‌شویم. مناره‌ها و مقبره پیامبر در بلندی نمایش داده شده‌اند، در حالی که رواق‌های شرق و غرب به بیرون پیشروی دارند. این رواق‌ها چندین در دارند، حال آنکه در دالان‌های طاقدار، چراغ سقفی هست. این رواق‌ها به شکل دوبخشی شده یا روی هم نهاده‌شده کشیده شده‌اند که از نظر معماری خطاست، ولی این اصل گرافیکی در اینجا استفاده شده تا هر دو نمای رواق را نمایش دهد. نوار فوقانی، نمای بیرونی را نشان می‌دهد که بالای آن کنگره‌دار است و نوار تحتانی نمای مشرف به صحن را به نمایش می‌گذارد. ما در اینجا خطایی که در بازنمایی صحن مشاهده شد و آن را توسط رواق داخلی دوبخش شده نشان می‌داد، دوباره مشاهده می‌کنیم. رواق شمالی دری بی‌نام دارد، در حالی که سایر رواق‌ها حاوی عناصر نوشته‌دار هستند. رواق غربی سه عنصر را نشان می‌دهد: باب‌الجبرئیل، باب‌النساء و شباک‌الجبرئیل. رواق جنوبی رو به محراب عثمان دارد، ولی بر روی رواق شرقی فقط می‌توان نام باب‌السلام را خواند و این دری است که بازدید از مسجد را از آن آغاز می‌کردند. چندین بنای فرعی بر مبنای اصل پرسپکتیو

این مؤید آن است نقاشانی در عصر عثمانی در مکه بوده‌اند که برای زائران تصویر می‌کشیدند تا به عنوان «یادگاری» ببرند و نیز نشان می‌دهد که طراحی مانند کارستن نیبور، می‌توانسته به‌طور کامل از آنها الهام بگیرد تا سپس آنها را با رعایت پرسپکتیو بکشد. از طرف دیگر، آخرین نکته نیبور در مورد سه خط طلایی که مقابر مدینه را نشان می‌دادند، ثابت می‌کند او تصویری سنتی را پیش چشم داشته، از نوع آنهایی که «دلایل‌الخیرات» را مصور می‌کردند (تصویر ۴).

سرانجام، «ایگناتیوس مَرَجَح دوهسون»^{۱۱} (۱۷۴۰-۱۸۰۷م) در سال‌های ۱۷۸۷-۱۷۹۰م، «چشم‌انداز کلی امپراتوری عثمانی» را در دو مجلد در پاریس منتشر کرد. جلد دوم این اثر، نمایی از مدینه و نمایی از مکه را نشان می‌دهد. یقیناً در اینجا هم عبادتگاه در مرکز تصویر نهاده شده، ولی واقعیت‌های شهری نیز نشان داده شده‌اند.

رویکرد تاریخی و مکان‌نگارانه شهر (سده‌های نوزدهم و بیستم)

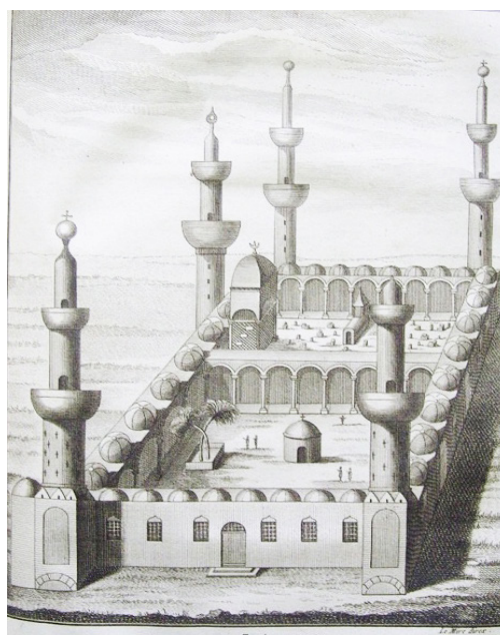
در سده نوزدهم، سهولت مسافرت برای بسیاری از اکتشافگران غربی امکان زیارت و بازدید از مدینه را فراهم کرد.

«دومینگو بادیا ای‌لبلیش»^{۱۲} تحت نام «علی بی»، زیارتی در سال ۱۸۰۷م. انجام داد و شرحش را در ۱۸۱۴م. منتشر کرد. او نخستین اروپایی بود که توصیف دقیقی از پلان‌های مکه و نیز کعبه به دست داد (Bey, 1993, II, 74-104). علی‌رغم میلش نتوانست از مدینه بازدید کند و از طریق ینبوع و سوئر بازگشت.

از کسانی که توصیفات از خود به جا نهاده‌اند، نخستین آنها «ژان-لویی بورکهارت»^{۱۳} (۱۷۸۴-۱۸۱۷م) بود که با جازدن خود به عنوان زائر در سال ۱۸۱۲م. از مکه و نیز از مدینه بازدید به‌عمل آورد (Burckhardt, 1829, 102-170, 321-361). بدین ترتیب او وصفی باریک‌بینانه از مکه، محله‌هایش و نیز کعبه از خود به جا نهاد. برای مثال، اسامی درهایی که «الازرقی» به ابواب داده بود را با نام‌هایی که خود می‌شناخت مقایسه کرد. سرانجام ترجمه گزیده‌هایی از کتاب «الخبار مکه» اثر الازرقی را به دست داد. سپس حدود چهار صفحه به مدینه اختصاص داد، به همراه پلان و نیز تاریخچه‌ای که از «السمهودی» (متوفی ۱۵۳۳/۹۱۱) ترجمه کرد.

در میانه قرن نوزدهم، «ریچارد فرانسویس برتون»^{۱۴} (۱۸۲۱-۱۸۹۰م) که در ماه‌های ژوئیه و اوت ۱۸۵۳، به مدت شش هفته در مدینه ماند، در ۱۸۵۵ نخستین توصیف دقیق و تاریخی شهر را ارائه داد. او فصلی را به وصف مسجد و مقبره پیامبر، فصل دیگری را به تاریخ بنای مسجد و نهایتاً فصلی را به خود مدینه اختصاص داد (Burton, 1893, I, 304-342, 343-375, 376-397). مؤلف کتابش را با این هدف نگاشت که مطالعه‌ای جامع از شهر مقدس ارائه دهد. باید توجه داشت که او برای شمه‌های تاریخی، به همان اندازه به

این تصویر که به منظور نمایش عناصر «پنهان» در داخل مسجد مدینه ساخته شده، در واقع خاستگاه تصاویر دارای پرسپکتیوی است که به دست طراحانی آشنا به فنون طراحی اروپایی، در استانبول یا سایر بلاد اسلامی صورت گرفت. تنها کاری که این طراحان باید می‌کردند این بود که ساختمان‌هایی را که دوبعدی می‌دیدند «برجسته» سازند و به آنها عمق ببخشند. گواه این مدعا روایت «کارستن نیبور»^{۱۵} است که در اثرش موسوم به «توصیف عربستان»، تصاویری از دو شهر مقدس ارائه داده است. او در ابتدای بازنمایی مکه توضیح می‌دهد: «با اینکه مسلمین به مسیحیان رخصت عزیمت به مکه را نمی‌دهند، امکان توصیف کعبه‌شان را از ایشان دریغ نمی‌کنند. کعبه را به بیگانگان نشان می‌دهند و تمام مراسمی را که شریعتشان برای زورار مقرر کرده، برایشان شرح می‌دهند. من در قاهره از روی کتابی عربی، طراحی از کعبه را از رو کشیدم و سپس آن را برپایه روایت‌های آشنایانم که از جده به مکه می‌رفتند یا اغلب این مسیر را طی کرده بودند، تکمیل کردم. نهایتاً آن را چنانکه در تصویر شماره ۲۱ پیداست، بر مبنای اثر نقاشی ترک که هشت سال در مکه بوده و از راه فروش طرح‌های کعبه به زائرین امرار معاش می‌کرده، کامل کردم. تمام خانه‌هایی که در تصویر این نقاش در پیرامون عبادتگاه به چشم می‌خورد حذف کردم» (Niebürh, 1779, II, 227). به‌هنگام ترسیم مدینه (تصویر ۳) می‌افزاید: «طبق طرح یک عرب، که از رویش کشیدم و در تصویر شماره ۲۲ قرار دادم، بنای بالای مقبره محمد و خلفای نخستین، برخلاف کعبه در میان قرار ندارد، بلکه در کنج مسجدی بزرگ است. در نسخه اصل، بر روی نرده سه شیار زرین بود که طراح با رسمشان می‌خواست نشان دهد که ساختمان سه مقبره دربر دارد» (ibid, II, 242).

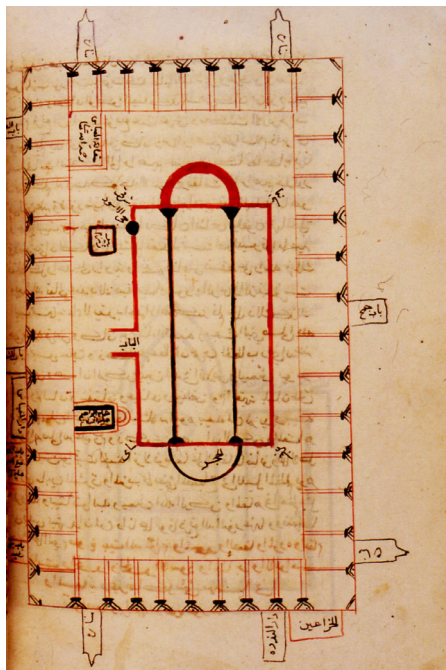


تصویر ۳. نمایی از مدینه مطابق ترسیم کارستن نیبور. مأخذ: Niebürh, 1779.

این رویکردها در دست داریم: یک جمع‌بندی عالی دربارهٔ زیارت مکه و سپس مطالعهٔ دو پلان دست‌نوشته از دو عبادتگاه. «موریس گودفوا-دومومبین»^{۱۷} (۱۸۶۲-۱۹۵۴) که عرب‌شناسی فرانسوی بود، در ۱۸۲۳ مطالعه‌ای جامع دربارهٔ زیارت منتشر کرد. او در اولین بخش کتاب، توصیف دقیقی از کعبه، تاریخ باستانی و قرون‌وسطایی آن، آداب و مراسمی که در آنجا به‌جا آورده می‌شود (نماز، زیارت، غسل)، سایر بناهای فرعی (قبهٔ زمزم، قبهٔ ابن عباس، مقام ابراهیم، حجر، باب بنی صیبا و غیره) و در نهایت تاریخ مسجدالحرام، ساخت رواق‌ها، ابواب و مناره‌ها به‌دست داد (Gaudefroy-Demombynes, 1923, 27-154).

در مورد کعبه به‌طور خاص، چندین «پلان» قدیمی در دست‌نوشته‌های قرون‌وسطایی حفظ شده‌اند که مطالعه‌شان می‌تواند اطلاعاتی راجع به تاریخ عبادتگاه به دست دهد. برای نمونه، فقیه ایرانی «ابن القاس» (قرن ۴ ه.ق. قرن ۱۰ م.) که اهل آمل بوده، رساله‌ای در باب شاخص‌های قبله‌یابی نوشته است. او در این اثر کعبه را توصیف می‌کند که پلان آن (Ducène, 2003) (تصویر ۵) در دست‌نوشته‌ای قرن هجدهمی در لندن محفوظ است (London, British Library, Add. 13315).

دربارهٔ مدینه، وجود پلانی قدیمی از مسجد مدینه در دست‌نوشته‌ای ناشناس که در پاریس (کتابخانهٔ ملی، Ms ar ۶۵۶۵) نگهداری می‌شود و قدمت‌ش بین ۱۳۲۹/۷۲۹ و ۱۴۲۳/۸۲۶ است، به باستان‌شناس فرانسوی «ژان سوواژه»^{۱۸} اجازه داد تحقیق تاریخی دقیقی به ساخت بنا اختصاص دهد (Sauvaget, 1947, 34-35 & pl. II). سرانجام، اخیراً «هری مانت»^{۱۹} پژوهشی دربارهٔ ظهور فضای قدسی در شهر مدینه منتشر کرده است (Munt, 2014).



تصویر ۵. طرح کعبه مطابق ترسیم ابن‌القاس. مأخذ: London, British Library, Add. 13315



تصویر ۴. مقبره‌های پیامبر، محمدالجزولی، دلایل‌الخیرات. مأخذ: BMVR of Marseilles, Rare and Precious Fonds Ms. 1634, f. 54r

تحقیقات شرقی زمانهٔ خود تکیه کرده است که به منابع عربی‌ای که می‌شناخته است. با این حساب از آنجایی که موفق به بازدید از مقبره پیامبر نشد، آن را براساس وصف «ابن جبیر» توصیف کرد. در حدود صدصفحه‌ای که به زیارت مکه اختصاص داده است (ibid, II, 159-259 & 294-326)، عمدتاً مناسک و اماکن زیارتی را وصف می‌کند، بی‌آنکه به تاریخ مکان‌نگارانهٔ زیارتگاه بپردازد. ریچارد برتون در اینجا شمه‌ای مردم‌شناختی ارائه می‌دهد. فقط در ضمیمهٔ کتاب است که توصیف طولیل بورکهارت را تکرار می‌کند. به موازات این شناخت معاصر از شهر، شناختی تاریخی‌تر از آن نیز به مدد انتشار آثار جغرافیدانان عرب گسترش یافت. بدین ترتیب، «فردیناند ووستنفلد» در ۱۸۷۳ مطالعهٔ موشکافانه‌ای از جغرافیای فیزیکی و قبیله‌ای مدینه، بر پایهٔ آثار «البکری»، «یاقوت حموی» و «السمهودی» به دست داد (Wüstenfeld, 1873). توصیفات دیگری هم از مؤلفان عرب دربارهٔ مکان‌نگاری شهرهای مقدس منتشر شدند، همچون توصیف «ابن رسته» (Ibn Rusteh, 1892, 24-78)^{۱۵} یا روایت «ابن جبیر» (Ibn Jubayr, 1907).

سرانجام از سال ۱۸۸۰ نخستین عکس‌ها از شهرهای مقدس منتشر شد (El Hag, 2005). اولین کلیشه‌ها را مهندسی مصری به نام «محمدصادق بی» (۱۸۲۲-۱۹۰۲) به دست داد که در ۱۸۸۰ از کعبه عکس‌برداری کرد. چندسال بعد، «کریستیان سنوک هورخرونیه»^{۱۶} (۱۸۵۷-۱۹۳۶) که هلندی بود، زیارت انجام داد و چندماهه‌ی در مکه اقامت داشت. او در آنجا با عکاس عرب، عبدالغفار، ملاقات کرد که عکس‌هایی به او داد. او همچنین عکس‌های محمدصادق بی را هم گرفت. سنوک هورخرونیه به محض بازگشت به اروپا در ۱۸۸۸، اثرش موسوم به «Bilderatlas zu Mekka» را منتشر کرد که نخستین آلبوم عکسی است که کاملاً به مکه اختصاص داشت. بدین‌صورت انتشار آثار وقایع‌نگاران، مورخان، جغرافی‌دانان و جهانگردان عرب، این امکان را به تدریج در قرن بیستم فراهم کرد که تاریخ مکان‌نگارانهٔ دو شهر بهتر شناخته شود. ما سه نمونه از

نتیجه‌گیری

بوده است. در قرن نوزدهم، دسترسی مستقیم به منابع عربی میسر شد که امکان حصول رویکردی عالمانه به تاریخ دو شهر را فراهم ساخت؛ امری که با شناخت بهتری از اماکن به لطف مکان‌نگاری‌های واقعی و نیز ظهور نخستین پلان‌ها از دو شهر همراه شد. باین‌وجود، مشخصه تاریخ‌نگاری این دو شهر تمرکز بر عبادتگاه‌هاست و توسعه شهری آنها را به شکل فرعی و با تکیه بر ویژگی جغرافیایی و انسانی‌شان بررسی می‌کند.

این خلاصه تاریخی به‌خوبی نشان می‌دهد که مکه و مدینه به‌خاطر اهمیت مذهبی‌شان، کنجکاوی علمی شرق شناسان را، فارغ از دشواری دسترسی بدان‌ها، برانگیخته‌اند. در واقع روایت‌های قدیمی اروپاییانی که از این شهرها گذشته‌اند کم‌شمار است، ولی جملگی بیانگر اراده‌ای برای توصیف عینی عبادتگاه‌هاست. در مورد تصاویر، باید دانست که الگوشان در درجه اول تصاویر «مسلمانان»

پی‌نوشت‌ها

نمایش داده شده است. اما این در واقع همان نمازخانه‌ای است که سراسر مسقف است.
 ۹. Qā'itbāy
 ۱۰. Carsten Niebühr
 ۱۱. Ignace Mouradja d'Ohsson
 ۱۲. Domingo Badia y Leblich
 ۱۳. Jean-Louis Burckhardt
 ۱۴. Richard Francis Burton
 ۱۵. Ibn Rusteh, *Al-a'lāq al-nafisa*, Leyde, 1892, description des villes saintes, pp. 24-78
 ۱۶. Christian Snouck Hurgronje
 ۱۷. Gaudefroy-Demombynes
 ۱۸. Jean Sauvaget
 ۱۹. Harry Munt

* این مقاله در همایش «اسلام و شهر، خوانش‌های متفاوت از یک مفهوم» که در بهمن ماه ۱۳۹۸ در دانشگاه «علم و فرهنگ» تهران برگزار شد، ارائه شده است. این نسخه از مقاله منحصراً جهت چاپ در نشریه منظر ارائه شده است.
 ۱. Ludovico di Varthema
 ۲. Barthelémy D'Herbelot
 ۳. John Gagnier
 ۴. Jean De la Roque
 ۵. Joseph Pitts
 ۶. Johann Bernhard Fischer von Erlach
 ۷. Count von Hulenbergg of Braunschweig
 ۸. در بازنمایی مدینه خطایی رخ داده است. صحن داخلی دیواربر شده به‌نظر می‌رسد، انگار رواقی موازی با دیوار نما آن را در طراز مقبره پیغمبر به دو بخش کرده است. دومین صحن کوچک که بر اثر این خطا پدید آمده، به روشنی رویاز

فهرست منابع

• Bey, A. (1993). *Travels*. 2 Vols. London: Reading, Vol. 2.
 • Burckhardt, J. L. (1829). *Travels in Arabia*. London: H. Colburn.
 • Burton, R. F. (1893). *Personal Narrative of a Pilgrimage to Al-Madinah & Meccah*. London: Tylston & Edwards.
 • de La Roque, J. (1718). *Voyage dans la Palestine*. Amsterdam: Steenhouver & Uytwerf.
 • d'Herbelot, B. (1697). *La Bibliothèque Orienrale*. Paris: Compagnie des Libraires.
 • Ducène, J. Ch. (2003). *Les Plans du Sanctuaire de la Ka'ba Dans Les Manuscrits du Kitāb dalā'il a l-qibla D'Ibn al-Qaṣṣ*. Acta orientalia belgica, 17, 83-96.
 • El-Hage, B. (2005). *Photographies Anciennes de La Mecque et de Médine, 1880-1947*. Paris: Institut du monde arabe.
 • Gagnier, J. (1723). *De Vita et Rebus Gestis Mohamedis*. London: Oxford.
 • Gagnier, J. (1732). *La vie de Mahomed*. Amsterdam: Wetsteins & Smith.
 • Garcia, H. (2011). Turning Turk, Turning Heretic: Joseph Pitts of Exeter and the Early Enlightenment, 1670-1740, in G. Maclean (Ed.), *Britain and the Muslim World*. Cambridge: Cambridge Scholars Publishing, 85-101.
 • Gaudefroy-Demombynes, M. (1923). *Le pèlerinage à la Mecque. Etudes*

d'histoire religieuse. Paris: Annales du musée Guimet.
 • Grabar, O. (2001). A Preliminary Note on Two 18th Century Representations of Mekka and Medina. *Jerusalem Studies in Arabic and Islam*, 25, 268-274.
 • Ibn Jubayr. (1907). *Rihla*. Leiden: Brill.
 • Ibn Rusteh. (1892). *Al-a'lāq al-nafisa*. Leiden: Brill.
 • Sauvaget, J. (1947). *La Mosquée Omeyyade de Médine*. Paris: Vanoest.
 • O'Kane, B. (2012). *The Illustrated Guide to te Museum of Islamic Art in Cairo*. Cairo: The American University.
 • Munt, H. (2014). *The Holy City of Medina: Sacred Space in Early Islamic Arabia*. Cambridge: University Press.
 • Niebühr, C. (1779). *Description de l'Arabie*. Paris: Brunet.
 • Porter, V. (Ed.). (2012). Hajj. *Journey to the Heart of Islam*. London: The British Museum Press.
 • Teyssier, P. (2004). *Voyage de Ludovico di Varthema en Arabie et aux Indes Orientales (1503-1508)*. Paris: Chandeigne.
 • Wüstenfeld, F. (1873). Das Gebiet Von Medina nach Arabischen Geographen Beschrieben. *Abhandlungen der Königlichen Gesellschaft der Wissenschaften zu Göttingen*, 18, 93-176.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Manzar journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

دوسن، ژان-شارل. (۱۳۹۹). مدینه و مکه نزد شرق شناسان (سده شانزدهم-سده بیستم میلادی). منظر، ۱۲(۵۲)، ۵۸-۶۳.



DOI: 10.22034/manzar.2020.113351

URL: http://www.manzar-sj.com/article_113351.html